



طرحی نودراندازیم

مسعود پزشکیان، کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری دوره چهاردهم پس از راهیابی به دور دوم انتخابات، با انتشار ویدئویی خطاب به مردم گفت: «از اعماق وجودم به زنان، مردان، دختران، پسران و فرزندان ایران عزیزم درود می فرستم؛ از اینکه نتوانستم در مدت کوتاه فرصت تبلیغات و گفت‌وگوها خدمت مردم در تمام استان‌ها برسم، شرمندم، ام» او با بیان اینکه از طریق این پیام ویدئویی چند کلامی با مردم صحبت می‌کنم، گفت: «اقبال لاهوری شعر زیبایی دارد که می‌گوید مانند صبا خیز و وزیدن دگرآموز، دامن گل و لاله کشیدن دگرآموز، اندر دلک غنچه خزیدن دگرآموز، موئینه به بر کردی و بی ذوق تپیدی، آنگونه تپیدی که بجایی نرسیدی، در انجمن شوق تپیدن دگرآموز». این کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری افزود: «اما باید یک بار دیگر بر خیزیم و طرحی نو دراندازیم؛ با کمک مردم و همه عزیزان در این کشور از همه قومیت‌ها، زبان‌ها و لهجه‌ها، با هم دست به دست هم داده و برای ایران‌مان و نجات کشورمان از فقر، دروغ، تبعیض و بی‌عدالتی تلاش کنیم تا آن را نابود کرده و از بین ببریم. امیدوارم حضور مردم پای صندوق‌های رای، فریاد جدیدی برای تغییر در نگاه، رفتار، گفت‌وگو و تقسیم و تخصیص منابع باشد. مردم من را به‌خاطر آنکه نتوانستم خدمت آن‌ها در تمام استان‌ها برسم، ببخشند؛ ان‌شاءالله با حضور مردم بتوانیم با قدرت بالا بیایم و همراه مردم برای نجات ایران تلاش خواهیم کرد.»



پیروزی سه‌وجهی

سعید شریعتی، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد در صفحه توئیترش نوشت: «از منظر تحلیل راهبردی تا اینجا کار باورمندان به «اصلاحات ساختاری» به یک «پیروزی سه‌وجهی» دست یافتند؛ هم پیروزی پزشکیان، هم شکست قالیباف (به‌طور خاص) و هم عدم مشارکت ناراضیان. هر سه می‌تواند نیروی لازم برای پیشبرد راهبردی اصلاحات ساختاری را ایجاد کند.»



پزشکیان و نجات اصول‌گرایان

مهدی عربصاق، معاون سیاسی پیشین حزب مؤتلفه در صفحه توئیتر خود نوشت: «پزشکیان راه نجات اصولگرایان را تندرؤه‌است. برتری آرای جلیلی بر قالیباف نشانه پایان است. تندرؤی، اصولگرایی را به پایان راه نزدیک کشانده و آن را از درون تهی کرده، با عقلائیت فاصله گرفته و به‌جز پوسته‌ای نازیبای ترک‌خورده چیز دیگری ندارد! در ظاهر و در راه انقلاب می‌نمایند، اما علیه انقلاب اسلامی گام برداشتند؛ آنها که نه در گذشته هزینه‌ای دادند و نه برای آینده ایران دغدغه‌ای دارند، به جای عقلائیت، قبیله‌گرایی را برگزیده‌اند و مردم را دوست نداشتند!» او در بخش دیگری از یادداشت خود نوشت: «به اصولگرایان توصیه می‌کنم به مردم بازگردند و راه خود را از تندرؤی‌ها جدا کنند؛ دیدید که تندرؤها درون جبهه خودی هم اهل تعامل نیستند چه رسد به تعامل با دنیا! سیاست خار جی و مهربانی با مردم در سیاست داخلی! آنها به توسعه قبیله خود می‌اندیشند و با توسعه ایران کاری ندارند و نداشتند! اصولگرایان دوره بیشتر ندارند: ۱. پذیرش مرگ سیاسی ۲. تعامل با توسعه‌گرایان برای ایران و صبر استراتژیک و بقای سیاسی. شاخه پوسیده تندرؤی را برای همیشه از بدنه خود جدا کنید.»

دوقطبی گام دوم

بررسی آنچه در مرحله اول انتخابات در هشتم تیر گذشت و برآوردی که از رقابت مسعود پزشکیان و سعید جلیلی در پانزدهم تیرماه می‌توان داشت

۱۰ میلیون رای مسعود پزشکیان

مسعود پزشکیان در این شرایط دشوار، رای قابل قبولی کسب کرد که گرچه برای رسیدن به ریاست جمهوری در مرحله اول کافی نبود، اما به نسبت آرای اصلاح‌طلبان از انتخابات ۱۳۹۸ تاکنون، بی‌سابقه و قابل توجه است. کافی است رای او را با آرای دومیلیون و ۴۰۰ هزارتایی عبدالناصر همتی در انتخابات ۱۴۰۰ مقایسه کنیم. البته، شرایط همتی در سال ۱۴۰۰ بسیار دشوارتر بود. او بر خلاف پزشکیان از حمایت تمام‌قد اصلاح‌طلبان برخوردار نبود. بخش بزرگی از اصلاح‌طلبان و از جمله جبهه اصلاحات، در آن انتخابات پس از رد صلاحیت ۹ نامزدپیشنهادی خود، تصمیم به عدم شرکت در انتخابات گرفتند و نه تنها از همتی حمایت نکردند، بلکه بعضاً در صحبت‌ها و تحلیل‌های خود با دیده شک و تردید درباره او سخن می‌گفتند و حتی حضور و نامزدی او در انتخابات و تأیید صلاحیت او را بخشی از «مهندسی انتخابات» و با هماهنگی پشت‌پرده نهاده‌ها و چهره‌های امنیتی معرفی می‌کردند و به او و حامیانش با طعنه و انتقاد برخورد می‌کردند. همتی بر خلاف پزشکیان از ستادهای انتخاباتی شلوغ و سراسری برخوردار نبود و حتی سفرها و دیدارهای انتخاباتی جدی هم نداشت. ضمن آنکه همتی به‌عنوان رئیس کل بانک مرکزی دولت دوم روحانی (۲ مرداد ۱۳۹۷ تا ۹ خرداد ۱۴۰۰)، مسئول و نماد تورم و چندبرابر شدن نرخ ارز شناخته می‌شد و هر چه هم در مناظره‌ها از نقش ترامپ و تحریم‌های او در وضعیت اقتصاد سال‌های پایانی دولت روحانی می‌گفت و نیز از اقدامات فنی و کارشناسی که برای جلوگیری از تشدید بحران و سقوط اقتصاد ایران انجام داده است، حاصلی نداشت. او در مناظره‌ها از یک‌سوی مخالفان و رقیبانی مواجه بود که کاری جز متهم کردن روحانی و دولت او نداشتند و حاضر نبودند یک‌صدم روحانی و همتی، بیابند و ترامپ را مقصر این وضعیت بدانند. آن‌هم در شرایطی که روحانی، همتی و کل دولت دوازدهم علاوه بر ترامپ، با کرونا هم مواجه شده بودند که عملاً از اواخر سال ۱۳۹۸ کل فعالیت‌های اقتصادی را در سطح جهان (و فقط ایران) تهدید و تعطیل کرده بود و حتی اقتصادهای بزرگی مانند چین و آمریکا را تضعیف کرده بود؛ چه برسد به اقتصاد ایران که قبل از کرونا هم با فشار حداکثری ترامپ به آستانه سقوط رسیده بود. اما فقط رقبای انتخاباتی همتی در ۱۴۰۰ به‌اندازه سرانگشتی از انصاف بهره نداشتند و نه فقط اکثریت رای‌دهندگان حاضر به آمدن پای صندوق و شنیدن استدلال‌ها و روایت‌های همتی از واقعیات اقتصاد ایران نبودند، بلکه شخص روحانی و دولت‌مردان او که همکاران همتی بودند، او را در این ورطه هولناک تنها و غریب رها کرده بودند و حتی از او انتقاد می‌کردند که چرا بدون هماهنگی نامزد شده است و در میدان انتخابات باقی مانده است. همتی با چنین شرایط دشواری بود که به‌تهیابی و با حمایت طیف اقلیتی از اصلاح‌طلبان و روشنفکران و متخصصان توانست در رقابتی نابرابر مقابل سید ابراهیم رئیسی و نامزدهای پوششی او، دومیلیون و ۴۰۰ هزار رای بیاورد؛ آرای که می‌توان آن را رای خالص باورمندان واقعی به اصلاحات و توسعه در سخت‌ترین روزها دانست.

پزشکیان اما نه فقط با سختی‌ها و تنهایی‌هایی که همتی در ۱۴۰۰ کشید، مواجه نبود و تقریباً کل اصلاح‌طلبان و نخبگان طبقه متوسط (جز تک‌چهره‌های مؤثری نظیر میرحسین موسوی و سیدمصطفی تاج‌زاده) به حمایت از او برخاستند؛ بلکه خود نیز دارای پایگاه قوی رای مستقلی بود که از اقوام و مذاهب (مخصوصاً در مناطق آذری‌نشین غرب کشور) و بدنه رای سنتی طرفدار ارزش‌هایی چون پاک‌دستی، راستی و عدالت تشکیل می‌شد و به همین خاطر هم توانست بخش مهمی از آرای که در سال ۱۴۰۰ احتمالاً به نام رئیسی به صندوق‌ها ریخته شده بود، از آن خود کند. چنین بود که در شرایط تداوم قهر بخش قابل‌توجهی از پایگاه رای سابق اصلاح‌طلبان با صندوق‌ها، پزشکیان توانست به قلب پایگاه رای اکثریتی‌ای بزند که در دوره قبل با امید به بهبود وضعیت یا یکدست شدن حاکمیت به حمایت از رئیسی برخاسته بود و در رقابت با جلیلی و به‌ویژه قالیباف، این آرا را مال خود کند. ضمن آنکه گرچه جلیلی، قالیباف و به‌ویژه دو نامزد پوششی در مصاحبه‌ها و مناظره‌های انتخاباتی تلاش جدی داشتند

۶۰ درصدی که نیامدند

شاید مؤثرترین نیروی انتخابات هشتم‌تیر، پنهان‌ترین نیروها بودند. نیروهایی که در این میدان به‌زعم خود نامزدی نداشتند و یا ساختار موجود را مناسب یک مشارکت سیاسی فعال و مؤثر نمی‌پنداشتند. هر عامل و انگیزه‌ای که این نیرو را به مشارکت نکردن در انتخابات هشتم‌تیر واداشته باشد؛ واقعیت آن است که آنان بزرگترین نیرو و دایره این انتخابات را به خود اختصاص دادند. چرا که بیش از ۶۰ درصد واجدین شرایط حق رای پای صندوق نیامدند. اگر ۳۰ درصد این طیف را افرادی بدانیم که جز موارد استثنایی (مانند سال ۱۳۸۸) در بهترین حالت، نیمی از آنها رای داده‌اند؛ ۳۰ درصد باقی‌کسانی هستند که در انتخابات سال ۱۳۹۶ و قبل از آن، معمولاً رای می‌دادند اما از سال ۱۳۹۸ تصمیم قطعی به رای ندادن گرفته‌اند و در این دوره نیز، به‌رغم حضور جدی جبهه اصلاحات و عموم روشنفکران و دعوت آنان برای رای به مسعود پزشکیان، باز هم پای صندوق نیامدند. در حالی که اگر ۱۰ درصد از این ۳۰ درصد حاضر به مشارکت می‌شدند، به احتمال زیاد پزشکیان در دور اول به ریاست جمهوری می‌رسید. ضمن اینکه درصد قابل‌توجهی از رای پزشکیان مربوط به مرددینی است که در تهران و شهرهای بزرگ تا ساعات پایانی تصمیم خود را برای رای ندادن نگرفته بودند که اگر آنها هم پای صندوق نمی‌آمدند، احتمالاً جلیلی در همان دور اول به ریاست جمهوری می‌رسید. بنابراین، نوع تصمیم‌گیری این بخش از واجدان حق رای در مرحله دوم انتخابات دارای اهمیت بالاست و مشارکت یا عدم مشارکت آنها می‌تواند در نتیجه انتخابات بسیار تعیین‌کننده باشد.

درباره اینکه این ۳۰ درصد قهر کرده از صندوق پس از سال ۱۳۹۶ چه طیف‌هایی هستند، تحلیل‌ها و برآوردهای مختلفی وجود دارد. اما این طیف‌های مختلف در یک نقطه مشترکند و آن اینکه از صندوق رای و به‌طور کلی مشارکت در سیاست از طریق ساختار سیاسی موجود برای بهبود وضعیت خود ناامید شده‌اند و به راه‌های بدیل خارج از سیستم و یا انفعال و سیاست‌گریزی گرایش پیدا کرده‌اند. به نظر می‌رسد بخش گسترده‌ای از زنان، جوانان، نسل زد، اقلیت‌های قومی و مذهبی مخصوصاً اهل سنت، گرایش‌های رادیکال سیاسی و اپوزیسیون و بخش‌هایی از نیروهای حاشیه‌نشین و درگیر مسائل اولیه اقتصادی و معیشتی بخش مهمی از این قهرکردگان از صندوق را شکل می‌دهند که حوادث خشونت‌بار سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ قهر آنان با مشارکت سیاسی فعالانه و اصلاح‌طلبانه را تشدید و در میان بسیاری از آنها تبدیل به خشم‌پیداوپنهان کرده است. عملکرد سه‌ساله دولت رئیسی به‌ویژه در حوزه‌هایی چون اقتصاد، حجاب و اینترنت نیز گرچه نارضایتی این طیف را تشدید کرده است، اما آنان را به این تصمیم نرسانده که با بازگشت به صندوق‌های رای بتوانند و بخواهند وضع موجود را بهبود دهند و مثلاً به نیمه اول دهه ۱۳۹۰ برگردانند؛ چرا که اعتقاد پیدا کرده‌اند دولت و ارکان انتخابی نظام سیاسی از قدرت و امکان بهبود شرایط برخوردار نیستند و این، نهاده‌ها و ارکان امنیتی و غیرانتخابی هستند که در هر حال، تصمیم می‌گیرند و کار خود را به‌رغم خواست اکثریت رای‌دهندگان به پیش می‌برند. از این منظر است که آنان مخالفان اصلی و اصیل تکرار تجربه دولت دوم روحانی و تشکیل «دولت سوم روحانی» و حتی «دولت سوم خاتمی» هستند؛ چرا که با تجربه دولت‌های خاتمی و روحانی به این باور قطعی رسیده‌اند که دولت و رئیس‌جمهور در ساختار موجود کاره‌ای نیست و به همین جهت نیز، مدام به جمله‌منتسب به خاتمی که «رئیس‌جمهور تدارک‌ناچی است» ارجاع می‌دهند (گرچه خاتمی در آخرین روزهای ریاست جمهوری‌اش نگفته بود «رئیس‌جمهور تدارک‌ناچی است»؛ بلکه گفته بود «جریانی در کشور، رئیس‌جمهور را در حد تدارک‌ناچی می‌خواهد و می‌پسندد»). به نظر می‌رسد تا زمانی که این باور در بین این بخش از رای‌دهندگان تضعیف نشود، هر تلاشی از سوی اصلاح‌طلبان و از جمله، پیام‌های خاتمی، رای کروی و به‌زاد نبوی و... یا هشدارهای روشنفکران و تحلیلگران بی‌حاصل خواهد بود و بسیار بعید به نظر می‌رسد در این یک هفته باقیمانده به مرحله دوم انتخابات نیز بتوان درصد قابل‌توجهی از این طیف‌رای‌های صندوق‌کنندگان



محمدجواد روح

دور اول انتخابات دوره چهاردهم ریاست جمهوری با مشارکت ۴۰ درصدی و راهیابی مسعود پزشکیان (نامزد اصلاح‌طلبان) و سعید جلیلی (نامزد راست رادیکال) به مرحله دوم پایان یافت. در این مرحله، مجموعاً ۲۴۷۳۵۱۸۵ رای به صندوق ریخته شد که در این میان، مسعود پزشکیان ۱۰۴۱۵۱۹۱ رای، سعید جلیلی ۹۴۷۳۲۹۸ رای، محمدباقر قالیباف ۳۳۸۳۳۳۴ رای و مسعود پورمحمدی ۲۰۶۳۹۷ رای آوردند. بیش از دو میلیون رای باطله هم در این دوره وجود داشت. این آمار، ارقام و خلاصه و نتیجه رسمی اعلامی انتخابات تیرماه است. اما این آمار و ارقام، جای تحلیل و گمانه‌زنی جدی دارد که هم کنشگران کمپین‌های انتخاباتی دو رقیب راه‌یافته به دور دوم آن را مورد توجه و بررسی قرار خواهند داد و هم جامعه‌شناسان و پژوهشگران و مردم‌شناسان، از دل آن سوژه‌ها و داده‌هایی مهم برای بازشناخت جامعه ایران و نیروهای مؤثر آن به دست خواهند آورد. از این منظر، تحلیل پیش رو یک ارزیابی اولیه است از آنچه در هشتم تیرماه گذشت و چشم‌اندازی که برای رقابت مرحله دوم انتخابات پیش رو می‌نهد. رقابتی جدی، نزدیک و سنگین که می‌تواند آینده ایران و ایرانیان را رقم بزند و سرنوشتی را شکل می‌دهد که پیامدهای آن، متوجه همگان خواهد بود؛ چه آنان که نیایند و رای ندهند، چه آنان که از نامزد اصلاح‌طلبان حمایت می‌کنند و چه حامیان و رای‌دهندگان به نامزدهای رقیب. آنچه از هشتم تیر اینک بر صحنه سیاست است دوقطبی میان مسعود پزشکیان و سعید جلیلی است و گام دوم انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم که نیروها و جریان‌های سیاسی-اجتماعی متنوع و متفاوت و متعارض، آن را رقم خواهند زد.

